

حفظ انسجام مهم‌تر از شکل‌گیری انسجام

دکتر محسن کرمانی - مدرس دانشگاه و پژوهشگر مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

جنگ‌ها پدیده‌های عجیبی هستند. در باب جایگاه و اهمیت این پدیده همین بس که تاریخ بشر از ابتدا تا به امروز را می‌توان از دریچه آن روایت کرد؛ کما این که بخش اعظم تاریخ این گونه روایت شده است. هرچند جنگ در نگاه نخست چهره زشت و سیاه خود را به نمایش می‌گذارد، اما به همان اندازه که جنگ ویرانگر است می‌تواند سازنده هم باشد. به تعبیری جنگ در کنار کارکردهای منفی خود می‌تواند کارکرد مثبت هم داشته باشد (هرچند این وجه کارکردی به هیچ وجه توجیه‌گر جنگ‌افروزی نیست).

شاید برجسته‌ترین کارکرد مثبت این پدیده کم‌رنگ شدن مرزبندی‌های درون جامعه و پررنگ شدن مرزهای سرزمینی در برابر هجوم بیگانه باشد که از آن می‌توان به وحدت و انسجام ملی تعبیر کرد و امروز می‌توان غلیظ‌ترین وجوه و جلوه‌های آن را در اقشار و عرصه‌های مختلف جامعه به عینه مشاهده کرد. نکته مهم و قابل توجه این است که همین عنصر، عامل اصلی پایداری و مقاومت جامعه در برابر بیگانه و رمز پیروزی و موفقیت آن در برابر هجوم دشمن است و مهم‌ترین دشمن نیز به این اصل آگاه است و از همان ابتدای شروع داستان شکاف‌های سیاسی و اجتماعی درون جامعه را نشانه رفته بود و حساب ویژه برای آن باز کرده بود.

اما آن‌چه موجب شد این یادداشت را بنویسم این است که لحظات حفظ انسجام مهم‌تر از لحظه شکل‌گیری و پیدایش آن است، چراکه شکل‌گیری انسجام در شرایط جنگ را تا حد زیادی می‌توان به واکنش طبیعی و درونی جامعه در برابر تهدید بیرونی نسبت داد، موضوعی که در شرایط کشور ما به واسطه مولفه‌های تاریخی، فرهنگی و تمدنی جامعه ایران ابعاد پررنگ‌تری نیز پیدا کرده است. به عبارتی، شکل‌گیری انسجام در شرایط جنگ را می‌توان به کارکرد جامعه نسبت داد، ولی حفظ و تداوم آن به عملکرد جامعه، یعنی به عاملیت و موقعیت‌شناسی اعضای جامعه بستگی دارد.

تاریخ پر است از مصادیق و نمونه‌های عبرت‌انگیزی که در آن دشمن با تکیه بر ابزارهای مختلف موجب شکل‌گیری و فعال شدن مجدد مرزبندی‌های داخلی شده است و بدین وسیله مقدمات و بستر شکست جامعه هدف را فراهم ساخته است، موضوعی که در صورت تداوم نبرد حاضر اهمیت دوچندانی پیدا می‌کند و هوشمندی بیشتر جامعه به ویژه نخبگان و فعالین اجتماعی در عرصه‌های مجازی و میدانی را می‌طلبد.